



■ گویا چندیست با خانواده برای زندگی به پایتخت آمده‌اید و ساکن تهران شده‌اید؟

بله یک سال گذشته که به تهران آمدم. چند فیلمنامه کوتاه نوشتیم با همکاری نفیسه زارع که ساخته شدند یا در حال ساخت هستند. فیلمنامه بلندی را هم در دست داریم. فعلا قصد ساخت فیلم جدیدی را ندارم و نوشتن اولویتم است.

چرا قطار را به عنوان لوکیشن قصه‌ی کوتاه اخیرت انتخاب کردی؟

همان طور که در توضیح فعالیت انجمن ادبی ژو گفته شده، حلقه‌ی مشترک در همه‌ی مجموعه داستان‌هایی که منتشر می‌کنند؛ لوکیشن مشترک است. بنابراین با انتخاب یک لوکیشن برای هر مجموعه، همه‌ی داستان‌های آن مجموعه در یک لوکیشن رخ می‌دهد و لوکیشن انتخابی کتاب شهروند نمونه «قطار» بوده و حاصل شش داستان است که همگی در قطار می‌گذرند.

محور داستان‌ها معمولا از چه موضوعاتی‌ست؟  
موضوعات اجتماعی.

و موضوع داستان شما چیست؟  
داستان من در مورد مردی است که برای اولین بار می‌خواهد برود سفر...

بیشتر توضیح بدهید البته تا جایی که داستان لو نرود. مفید پسر جوانی که تقریبا تمام عمرش را در یک هتل سنتی در شهر یزد گذرانده و فویبای سفر دارد، بنا به دلیلی عزم سفر کرده و این سفر بزرگترین چالش زندگی‌اش است...

موضوع اجتماعی نهفته در این داستان چه چیزی است؟  
موضوعات اجتماعی و انسانی مثل عشق و...

عشق به چه چیزی یا چه کسی؟  
عشق به دختری که مسافر هتل بوده برای چند روزی اما یک مسافر متفاوت.

جهان داستان نویسی نسبت به فیلم نامه نویسی چه تفاوتی دارد و کدامش برایت لذت بخش تر است؟

در مورد تفاوت جهان فیلمنامه با داستان میتونم این را بگویم که فیلمنامه نوشته می‌شود برای تبدیل شدن به تصویر و بحث تکنیکیش بیشتر است از داستان. و تا به فیلم تبدیل نشود به ثمر نمی‌رسد اما داستان خودش یک اثر هنری (ادبی) هست و مستقیما با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. هر دو به یک اندازه برای من لذت بخش هستند. برای من مهم روایت کردن قصه‌هاست. کلمات برای من خیلی با ارزشند و اینکه چطور ترکیبشان کنم تا قصه‌ی خودم را ببافم، لذت بخش‌ترین کار دنیاست.